

## در جستجوی قرارداد منصفانه

### برای مؤلفان و مترجمان

کریم امامی

معمولاً روابط ناشران با صاحبان آثار (نویسندگان و مترجمان و غیره) در چهار چوب يك قرارداد تنظیم می‌شود. معامله دو نفر هرگاه محدود به پرداخت پول و تحویل گرفتن جنس باشد در بیشتر موارد نیازی به نوشتن قرارداد و سیاه کردن کاغذ نیست. اما معامله‌ای که اثرات دراز مدت دارد و انجام شرایطی را در طول زمان برعهده طرفین می‌گذارد نیاز به يك قرارداد دقیق به اصطلاح «چهارمیخه» دارد.

نویسنده پدید آورنده کالایی فرهنگی است که آن را، در قرارداد، اثر می‌خوانیم. ناشر خریدار اثر است ولی نه به قصد پنهان کردن آن به مثابه شیئی گرانبها، بلکه برای طبع و نشر، برای به چاپ رساندن و عرضه آن در بازار کتاب. در معامله‌ای که صورت می‌گیرد ناشر تنها حقوق مادی اثر را می‌خرد یا برای مدتی به خود منتقل می‌کند ولی حقوق معنوی اثر همچنان متعلق به پدیدآورنده خواهد بود. ناشر حتی اگر بالاترین حق التألیف را هم بپردازد حق ندارد در متن کتاب دست ببرد و یا نام مؤلف را از روی کتاب بردارد و نام خود یا شخص دیگری را به جای آن بگذارد. در حدی که عقد قرارداد نشر يك معامله است، شرایط معامله طبعاً تا حدودی بستگی به قدرت چانه زنی طرفین خواهد داشت. نویسنده‌ای که به شهرت رسیده است و آثار پر فروش محك خورده در بازار دارد طبعاً از نویسنده یا مترجمی که اولین اثر خود را برای نشر عرضه می‌کند زورمندتر است و خواهد توانست امتیازهای بیشتری از ناشر بگیرد. ناشر بزرگی هم که دستگاه مرتب و فروشگاه‌های متعدد داشته باشد و کندفروش‌ترین کتابش هم اقلأ یکی دو هزار نسخه برود طبعاً به هر نویسنده نوریسیده‌ای راه نمی‌دهد، اگر هم بدهد با بهترین شرایط نخواهد بود.

قرارداد نشر در ایران برخلاف اجاره نامچه و بُنچاق سابقه و سنت دور و درازی ندارد؛ از این رو مسائل و مشکلات عملی این نوع قراردادها هنوز کاملاً حل و فصل نشده است. با وجودی که موارد اختلاف مؤلفان با ناشران کم نیست و با وجودی که موارد نارضایی و گله خیلی بیشتر است تعداد پرونده‌هایی که در نیم قرن اخیر عملاً به علت شکایت یکی از طرفین به دادگاه رفته و روی آن رأی صادر شده باشد اندك است. بیشتر دعوای هم برسر سرقت ادبی یا نشر غیر مجاز آثار معروف و پر فروش بوده است. مؤلف و ناشر کمتر شکایت از یکدیگر نزد قاضی برده اند، حتی در مواردی که مؤلف حتم داشته است که ناشر کتابش را به تعدادی بیش از

رقم مورد توافق به چاپ رسانده است.

قرارداد منصفانه نشر، قراردادی که حداقل حقوق طرفین در آن تضمین شده باشد گام برداریم. متن قراردادی را که پیشنهاد می‌کنیم، که خود در واقع پیشنهاد پیش‌نویسی بیش نیست، در پایان مقاله آورده ایم. پیش از آن به حلاجی بخشهای مختلف قرارداد و شقوق متفاوتی که در هر مورد می‌توان اختیار کرد می‌پردازیم.

### آغاز قرارداد

سراغاز قراردادهای نشر هم مثل بقیه قراردادهای به معرفی دو طرف قرارداد و موضوع قرارداد اختصاص دارد. پدید آورنده (با ذکر همه مشخصات) از يك طرف و ناشر (شخص یا مؤسسه با ذکر همه مشخصات) از طرف دیگر موافقت می‌کنند قراردادی درباره نشر يك كتاب معين («اثری که مشخصات آن ذیلاً درج می‌شود») امضا کنند. آنچه در تنظیم این قسمت از قرارداد مهم است دقت کافی در ضبط مشخصات اثر و مشخصات دقیق طرفین قرارداد است تا بعداً مشکلی از لحاظ تشخیص هویت ناشر و مؤلف پیش نیاید. اگر قرارداد مربوط به کتابی شود که عنوان آن به صورت چاپ شده غیراز عنوان ذکر شده در قرارداد باشد و تعداد صفحات کتاب و یا تعداد فصلها و بخشها هم در قرارداد ذکر نشده باشد، همین خود می‌تواند مرحله اول از دشواریهای دعوی بین نویسنده و ناشر باشد. هرگاه هنگام نوشتن و امضای قرارداد عنوان قطعی کتاب بران نهاده نشده باشد بهتر است در قرارداد تصریح شود که اگر قبل از چاپ، برسر عنوان بهتری توافق شد آن را به صورت ماده الحاقی به پایان قرارداد خواهند افزود. فهرست مطالب کتاب نیز بهتر است به صورت پیوستی به قرارداد منضم گردد. از طرف دیگر، لازم است نویسنده و ناشر تعهد کنند در صورت تغییر نشانی طرف دیگر را کتبا (با پست سفارشی یا تلگرام شهری) از نشانی جدید مطلع خواهند ساخت تا در ارتباط بین طرفین وقفه‌ای پیش نیاید.

### تفویض حقوق

اولین ماده قراردادهای نشر معمولاً حاکی از آن است که صاحب اثر (پدید آورنده یا ورثه قانونی او در صورتی که پدیدآورنده از دنیا رفته ولی هنوز سی سال از مرگش نگذشته

اولین قراردادهای مفصل و مشروح نشر را مؤسسه انتشارات فرانکلین در دهه ۱۳۳۰ به مترجم جماعت عرضه کرد. قرارداد ارائه شده برگردان فارسی يك قرارداد امریکایی بود، و چنان قرص و محکم که بزودی به «قرارداد ترکمان چای» معروف شد. همه حقوق نشر اثر در هر قطع و اندازه برای همیشه متعلق به مؤسسه بود. مؤسسه مخیر بود ترجمه را چاپ کند یا چاپ نکند. مؤسسه حتی می‌توانست اگر صلاح می‌دانست نام مترجم را از روی کتاب بردارد. تنها حق مترجم حق الترجمة مقطوعی بود که پس از تحویل دادن ترجمه کامل کتاب می‌گرفت. و ده نسخه رایگان از کتاب چاپ شده، هرگاه کتاب به چاپ می‌رسید.

یکی از علل کوتاه نگاه داشتن دست مترجم از حقوق نشر اثر قراری بود که مؤسسه با ناشر کتاب اصلی گذاشته بود و متعهد حفظ حقوق نشر اثر در زبان فارسی به نیابت از مالك حقوق (دارنده کپی‌رایت) شده بود. هرچند در سالهای بعد بعضی از شرایط قراردادهای تیپ «فرانکلین» در مؤسسات انتشاراتی مختلف و حتی در خود مؤسسه فرانکلین تعدیل شد ولی بسیاری از این قراردادهای اولیه هنوز به قوت خود باقی است و دست مترجمان آن آثار از حقوق نشر آنها همچنان کوتاه است.

از تاریخ اولین قراردادهای ترجمه سالهای ۳۰ سه دهه می‌گذرد. در این میان هزاران کتاب ترجمه و تألیفی جدید به چاپ رسیده و صدها نویسنده و مترجم جویای نام قدم به میدان نهاده‌اند. روشهای جدید آماده‌سازی و ویرایش کتاب در مؤسسات انتشاراتی بزرگ و حتی کوچک به کار گرفته می‌شود. تیراژ چاپ اول بسیاری از کتابها از یکهزار تا یکهزار و پانصد نسخه در آن سالها، به ده هزار نسخه و بیشتر افزایش یافته است. و گاهی حق التالیف کتابهای پر فروش رقم کاملاً قابل اعتنایی را تشکیل می‌دهد و اختلافی که برسر چنین رقمهایی بین مؤلف و ناشر بروز کند کم‌کم ارزش پادرمیانی يك وکیل دعوی را دارد.

وقت آن رسیده است که در این روز و روزگار مسئله قراردادهای نشر را دوباره مطرح کنیم و مواد و شرایط گوناگون آنها را به ترازوی انصاف از نو بسنجیم. در حالی که امکان سخن گفتن یک‌زبان نویسندگان و مترجمان با جامعه ناشران درباره شرایط قراردادهای به آسانی فراهم نیست، ما سعی خواهیم کرد بازنگری خود را بی‌طرفانه انجام دهیم و در جهت رسیدن به يك

باشد) حقوق نشر اثر را برای طبع و نشر به ناشر واگذار می‌کند و ناشر متقابلاً تصریح می‌کند که اثر را برای طبع و نشر می‌پذیرد و متعهد می‌شود آن را ظرف مدت معینی (مثلاً يك سال یا بیشتر) منتشر کند. چند و چون تفویض حقوق یکی از حساس‌ترین بخشهای قرارداد است؛ از این رو لازم است روی شقوق مختلف آن تأمل کنیم. ناشر میل دارد کتاب را به تنهایی منتشر کند و برای اینکه خیال خود را راحت کرده باشد عبارت تماماً و انحصاراً را به جمله مربوط به واگذاری حقوق می‌افزاید. [پدید آورنده... حقوق نشر اثر را تماماً و انحصاراً... به ناشر واگذار می‌کند]. البته قابل تصور است که نویسنده‌ای نشر اثر خود را به صورت غیرانحصاری در آن واحد به دو یا چند ناشر پیشنهاد کند، به شرطی که اثر چنان پرفروش باشد که دست و دل ناشران دست اندرکار نلرزد. معمولاً ناشران تنها به نشر اثر به صورت انحصاری رضایت می‌دهند و گاه برای محکم کاری از تماماً و انحصاراً هم يك قدم پا فراتر می‌گذارند و خواهان حقوق نشر اثر در هر قطع و اندازه می‌شوند. مقصود آن است که حقوق نشر اثر در قطع بزرگ (وزیری یا رقعی) و قطع کوچک (جیبی یا کوچکتر) هر دو در اختیار ناشر باشد و نویسنده حقوق نشر قطع بزرگ و قطع کوچک را در آن واحد جداگانه به دو ناشر نسپارد. در سالهای گذشته، در يك دوره که نشر کتابهای جیبی رونق داشت در برخی موارد نویسنده یا مترجمی چنین می‌کرد و ناشر قطع بزرگ کتاب اغلب گله‌مند می‌شد و ادعا می‌کرد که به علت حضور چاپ ارزانتری از همان کتاب فروش کتاب او در بازار کند شده و یا به کلی متوقف گشته است.

در حال حاضر به علت بی‌رغبتی ناشران به چاپ کتاب در قطع جیبی مسئله نشر همزمان يك اثر واحد در دو قطع چندان مطرح نیست ولی این نکته از مسائل اساسی کار نشر کتاب در جهان است و بایستی پیش‌بینی لازم برای آن در قرارداد شده باشد. در مغرب زمین بسیاری از کتابها نخست در قطع بزرگ با صحافی لوکس (با ته‌دوزی، جلد محکم زرکوب و روکش) منتشر می‌شود و پس از گذشت يك سال یا يك سال و نیم (و اخیراً هم گاه کمتر از يك سال) چاپ جیبی همان کتاب به بهایی اغلب معادل يك سوم یا يك چهارم بهای قطع بزرگ انتشار می‌یابد. ناشر قطع بزرگ اغلب حقوق نشر اثر را در قطع جیبی هم در اختیار می‌گیرد و در زمانی که خود مناسب بداند برای واگذاری حقوق نشر اثر در قطع جیبی

با ناشران این گونه کتابها وارد مذاکره می‌شود و از عواید معامله هم سهم می‌برد. ناشران فرنگ اصولاً بسیاری از حقوق «فرعی» ناشی از بهره برداری از اثر را در رسانه‌های گوناگون به هنگام عقد قرارداد در اختیار می‌گیرند و درآمدی را که از این رهگذر عاید می‌شود با صاحب اثر نصف می‌کنند. و از این قبیل است درآمد حاصل از ترجمه اثر به زبانهای بیگانه، درآمد حاصل از چاپ قسمتهای برگزیده‌ای از اثر در مجلات، درآمد حاصل از فروش یکجای تعداد قابل توجهی از نسخه‌های اثر به باشگاههای دوستاران کتاب و احياناً درآمد حاصل از ضبط متن روی نوار صوتی یا نوار ویدئو و غیره... و گاه سود ناشر از این حقوق «فرعی» بیشتر از سود او از محل طبع و نشر کتاب به صورت سنتی است.

در ایران چون از این قبیل حقوق کمتر بهره برداری می‌شود و اگر هم بشود ناشر معمولاً در حل و فصل مسائل مربوط به آنها دخالتی ندارد، نیازی به واگذاری حقوق فرعی اثر به ناشر نیست و بهتر است در شرایط حاضر تنها حقوق نشر اثر به صورت کتاب تماماً و انحصاراً به ناشر سپرده شود. و البته هرچه روشن‌تر و گویاتر.

#### مدت قرارداد

هر قراردادی نیاز به يك چارچوب زمانی دارد. در قراردادهای ترجمه‌کذایی مدت تفویض حقوق «برای همیشه» قید شده است که سخن نابجایی است. چون حداکثر زمانی که ناشری می‌تواند به صورت انحصاری از اثری بهره‌برداری کند در طول حیات نویسنده یا مترجم به اضافه سی سال است. از آن پس اثر در حیطه مالکیت همگانی قرار می‌گیرد و هر ناشری می‌تواند با حفظ حقوق معنوی صاحب اثر آن را به چاپ برساند. پس تفویض حقوق «برای همیشه» نیست. در قراردادهای نشر فرنگی اعتبار قرارداد منوط به مدت زمانی است که ناشر بتواند کتاب را در بازار نگاه دارد و به محض نایاب شدن آن را تجدید چاپ کند. ناشری که کتابش نایاب شود و نخواهد یا نتواند کتاب را دوباره به بازار برگرداند، قراردادش با يك اخطار ساده صاحب اثر لغو می‌شود. پس مدت اعتبار چنین قراردادهایی عملاً هرچند سالی است که کتاب در بازار بماند. هرگاه فروش کتاب طوری کند شد که چاپ

دوباره کتاب برای ناشر مقرون به صرفه نبود و کتاب از بازار خارج شد حقوق نشر آن بار دیگر به مؤلف برمی گردد تا او خود هر طور صلاح دانست برای چاپ دوباره آن اقدام کند.

در ایران کوتاه ترین مدت اعتبار قرارداد نشر، يك «چاپ» است یعنی از زمان عقد قرارداد تا زمانی که نسخه های چاپ شده کتاب، به تعدادی که در قرارداد پیش بینی شده، به فروش برسد. ولی يك چاپ مخصوصاً اگر چاپ اول باشد و قرار باشد هزینه های ویرایش و حروفچینی و صفحه آرایی و تهیه فیلم و زینک (اگر کتاب به روش افست چاپ شود که فعلاً بیشتر کتابها به چنین روشی چاپ می شود) روی کتاب سرشکن شود به هیچ وجه ناشر را به سود، حداقل سود کافی، نمی رساند. در نتیجه کمتر ناشری در چنین شرایطی رضایت به يك چاپ می دهد.

امکان دیگر محدود ساختن مدت قرارداد به چند سال معین مثلاً پنج یا ده سال است و این پیشنهادی است که در حال حاضر بعضی از انجمنهای نویسندگان در کشورهای اروپایی از آن به جای مدت نامحدود اعتبار قرارداد طرفداری می کنند. از این امکان به شرط توافق طرفین می توان استفاده برد. پنج سال مدت معقولی است و معمولاً به ناشر اجازه دو تا سه چاپ (در حدود پانزده هزار نسخه) را می دهد. مدت کوتاه تر از پنج سال هم منصفانه به نظر نمی رسد چون معمولاً اجازه بیش از يك نوبت تجدید چاپ را به ناشر نمی دهد.

### اصالت اثر

ناشر هنگامی که در برابر دستنوشته یا متن ماشین شده اثر قرار می گیرد پیش از آنکه تصمیم به نشر آن بگیرد یا اعلام انصراف کند فرصت دارد اثر را کاملاً بررسی کند و از کیفیت علمی یا ادبی آن و کشش و گیرایی آن مطمئن شود ولی همیشه در جستجوی اطمینان خاطر می خواهد بود که اثر واقعا و حقیقتاً اصیل و محصول شخص پدید آورنده است و باموردی از سرقت ادبی یا جعل (مثل قضیه جعل یادداشت های روزانه هیتلر که اخیراً سروصدای زیادی در جهان برپا کرد) روبرو نیست. اگر ناشر عملاً و عاماً با نویسنده یا مترجمی در سرقت اثر شخص دیگری مشارکت کند طبعاً شريك جرم او محسوب خواهد شد. اما اگر ناشر حتی ندانسته هم به دام چنین سارقی بیفتد معلوم نیست از تعقیب

کاملاً مصون و مبرا بماند، چون بی اطلاعی خود را از جرمی که صورت گرفته است پابستی به اثبات برساند. از این رو ناشران عبارتهایی را معمولاً در قرارداد می گنجانند که به موجب آن پدیدآورنده اقرار می کند که خود شخصاً اثر را به وجود آورده و همه حقوق نشر آن را در اختیار دارد و نیز خود جوابگوی هرگونه ادعایی خواهد بود که احیاناً در ارتباط با حقوق نشر اثر (یا مواد به کار گرفته شده در آن، چه تصویری و چه غیر تصویری) عنوان شود.

### تعهد نشر اثر

ناشری که در کارش جدی است، اعم از اینکه شخص باشد یا مؤسسه، بهتر است در قرارداد نشر تعهد کند که اثر را ظرف چه مدتی، در چه قطعی و با چه تیرازی منتشر خواهد ساخت. اگر ناشر از چنین تعهد مشخصی طفره برود و در قرارداد تنها به ذکر «اثر را... منتشر خواهد ساخت» بدون ذکر جزئیات بسنده کند، پیداست که در کارش مشکلاتی دارد. یا سرمایه کافی ندارد و یا تعهدات سنگین دیگری را قبلاً برعهده گرفته است و امیدوار است از عواید کارهای قبلی سرمایه لازم را برای طبع و نشر کار جدید تأمین کند. مدت زمان پیش بینی شده برای انجام امور مربوط به طبع و نشر اثر بایستی واقع بینانه تعیین شود. سه ماه، مثلاً، برای چاپ يك کتاب سیصد صفحه ای به هیچ وجه کافی نیست. تعهد چاپ چنین کتابی در شش ماه معقول تر به نظر می رسد، مخصوصاً که جانب احتیاط را نیز رعایت باید کرد و بعضی تأخیرهای پیش بینی نشده را هم در برنامه گنجانند. و اگر بنا باشد اثری قبل از چاپ ویرایش شود دو سه ماهی را هم باید برای ویرایش و مسائل مربوط به آن (مثلاً ماشین نویسی دوباره متن) در نظر گرفت. بنابراین برای کتابهای سیصد چهارصد صفحه ای کم کم می رسیم به پیش بینی «حداکثر ظرف يك سال» که نامعقول هم نیست.

ذکر مدت تعهد نشر بدان معنی نیست که به محض به سر آمدن مدت و منتشر نشدن کتاب، قرارداد خود به خود فسخ خواهد شد و نویسنده آزاد خواهد بود فوراً به ناشر دیگری مراجعه کند، مگر اینکه نویسنده توانسته باشد از موضع قدرت چنین شرطی را صراحتاً در متن قرارداد بگنجانند. معمولاً ناشران تأخیر می کنند و نویسندگان هم معاذیر آنان را می پذیرند. هرگاه ناشری بدقولی را به

در همین مرور سعی می‌کند اشکالات یا سهوهای را که احیاناً ممکن است در متن وجود داشته باشد مشخص کند و رفع اشکال را از نویسنده یا مترجم بخواهد. ویراستار خوب به روشی کاملاً حرفه‌ای و با احترام کامل به شخصیت صاحب اثر سعی در آماده‌سازی متن برای چاپ خواهد داشت و از وارد ساختن تغییرات سلیقه‌ای و غیر قابل دفاع در متن اثر خودداری خواهد کرد. ویراستار در عین حال بایستی جواز پاره‌ای اصلاحات «فنی» را از نویسنده داشته باشد تا کار را بتواند به سرعت جلو ببرد. این است که ناشر در قرارداد مجوز لازم را از صاحب اثر می‌گیرد. [ناشر متن اثر را طبق اصول فنی نشر کتاب ویرایش خواهد کرد ولی در آن تغییرات اساسی نخواهد داد مگر با موافقت پدید آورنده اثر.]

### حق التألیف

مقصود از حق التألیف وجه یا وجوهی است که ناشر در ازاء دریافت حقوق نشر اثر به پدیدآورنده می‌پردازد. حق التألیف می‌تواند رقم مقطوعی باشد برای یک چاپ یا همه چاپها و یا درصدی باشد از بهای تکفروشی یا عمده فروشی کتاب که متناسب با فروش کتاب و یا برحسب تعداد نسخه‌های هر چاپ محاسبه و به مؤلف پرداخت خواهد شد. دریافت حق التألیف مقطوع معمولاً در کوتاه مدت دهان نویسنده را شیرین می‌کند ولی طعمش در درازمدت تلخ است، مخصوصاً اگر کتاب پر فروش از آب در آید و مرتباً تجدید چاپ شود. ناشر هر قدر هم گشاده‌دست باشد حق التألیف مقطوعش بیشتر از معادل حق التألیف درصدی (مثلاً دوازده یا حتی پانزده درصد) دو چاپ (مثلاً ده هزار نسخه) نخواهد بود. و نویسنده ممکن است پس از چند نوبت تجدید چاپ کتاب احساس غبن کند.

به هر حال، اگر حق التألیف به صورت درصدی از هر چاپ باشد، مؤلف در منافع حاصل از موفقیت کتاب خود شریک خواهد بود و به تدریج مبالغی که به همراهی شاخص هزینه‌ها نوسان خواهد کرد دریافت خواهد داشت.

حق التألیف منصفانه چند درصد است؟ باز مسئله چانه‌زنی و توافق است. ولی البته معیارهایی هم وجود دارد. حق التألیف ۲۰ درصد به ندرت پرداخت می‌شود چون روی قیمت تکفروشی کتاب تأثیر فوق‌العاده زیادی می‌گذارد. حق التألیف و حق الترجمة ۱۵

حد اعلا برساند و عملاً هم کاری برای طبع کتاب انجام نداده باشد (مثلاً حتی حروفچینی کتاب را هم شروع نکرده باشد) و نتواند نویسنده را قانع کند که واقعاً قصد چاپ کتاب را دارد، نویسنده خواهان لغو قرارداد و پس گرفتن کتاب خواهد شد. در این حال اگر ناشر عملاً هزینه‌ای برای چاپ کتاب انجام نداده باشد به لغو قرارداد و پس دادن متن اثر رضایت خواهد داد ولی امان از روزی که ناشر متحمل هزینه‌هایی شده باشد و در عین حال قادر به نشر اثر نباشد. در چنین وضعی ناشر قبل از بازگرداندن متن اثر به پدیدآورنده خواهان دریافت مبلغی معادل هزینه‌های انجام شده خواهد بود و اگر شخص اخیر نخواهد یا نتواند این هزینه‌ها را خود برعهده بگیرد کار اختلاف به درازا خواهد کشید. معمولاً در این حالت دخالت ناشر دیگری که علاقه‌مند به نشر اثر باشد گره‌گشا خواهد بود. در غیر این صورت کار را بایستی به دست «داور مرضی الطرفین» سپرد و داوری منصفانه هم در چنین موردی به هیچ وجه آسان نیست.

معوق و معطل ماندن آثار در انبار ناشران ناتوان یا زیاده از حد گرفتار از موارد رایج است و فکری برای رفع این نوع مشکلات صاحبان آثار باید کرد. پس گرفتن اثری که چند سال در گوشه‌ای خاک خورده به سادگی و بدون دریافت هیچ‌گونه خسارت و غرامتی نیز درست نیست و ناشران بایستی قاعدتاً نوعی خسارت (اگر همه معادل نصف حق التألیف یک چاپ را) به مؤلفان چنین آثاری بپردازند. اگر کار نشر کتاب جدی‌تر بود و ارزش وکیل گرفتن و دنبال کردن در محاکم را داشت مؤلف در چنین مواردی می‌توانست با تکیه بر اصل عدم النفع ادعای خسارت کند و اگر ناشر هم عذر موجهی نداشت مجبور به پرداخت خسارت می‌شد. در حال حاضر بهتر است از ناشران مصرأ بخواهیم اگر امکانات برایشان فراهم نیست داوطلب عقد قرارداد با صاحبان آثار نشوند.

### ویرایش

امروزه بیشتر ناشران معتبر آثاری را که برای انتشار پذیرفته‌اند قبل از حروفچینی ویرایش (یا ادیت) می‌کنند و مترجمان و نویسندگان از این بابت باید خوشحال باشند. چون در حقیقت ویراستار (ادیتور) کسی نیست جز خواننده دقیق و موشکافی که فرصت خواندن کتاب را قبل از چاپ پیدا می‌کند. و



## رفع اختلاف

در هر قرارداد بایستی پیش‌بینی چگونگی رفع اختلاف یا اختلافات طرفین شده باشد. راه حلی که در بیشتر قراردادهای نشر گنجانیده می‌شود مراجعه به داور مرضی‌الطرفین است که رأی‌اش قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. این راه از راه‌های معمول دیگر (مراجعه به دادگاه) کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تر است. مشکل، پیدا کردن داوری است که هم بی‌طرف باشد هم از امور چاپ و نشر کاملاً آگاه. و تازه مشکل داور رسیدن به نظری است که با توجه به پیچیدگی‌های کار و تأثیر عوامل دخیل گوناگون از هر لحاظ منصفانه باشد.

گاه طرفین قبل از تنظیم قرارداد روی شخص معینی به عنوان داور توافق می‌کنند و در این صورت می‌توانند نامش را در قرارداد بنویسند. در غیر این صورت به هنگام بروز اختلاف بایستی داور مورد اعتماد خود را بیابند. و اگر نتوانستند در مورد داور توافق کنند قانون داوری مشکل را حل کرده است: هر طرف داوری معرفی می‌کند و دو داور روی داور سومی توافق می‌کنند و پرونده را به او می‌سپارند.

در سالهای اخیر مشکل بزرگی که برای صاحبان آثار پیش آمده است حبس ماندن کتابهایی است که نه ناشر آنها را تجدید چاپ می‌کند و نه آزادشان می‌سازد. به نظر می‌رسد در چنین مواردی صاحبان اثر بایستی بتوانند حقوق نشر اثر را به خود باز گردانند و پیش‌بینی لازم برای این «استخلاص» در قرارداد شده باشد. يك مشکل دیگر انتقال حقوق نشر اثر از يك ناشر به مؤسسه انتشارات دیگری است بی‌آنکه در این میان از صاحب اثر نظری خواسته باشند و یا حتی از این معامله آگاهی کرده باشند؛ و البته کمتر کسی در مورد نادرستی چنین معامله‌هایی شك می‌کند.

## قرارداد ترجمه

قرارداد ترجمه هم در اصل شبیه به قرارداد تألیف است و الگویی که پیشنهاد کرده ایم با چند تغییر کوچک می‌تواند تبدیل به قرارداد ترجمه شود. پدیدآورنده جای خود را به مترجم می‌دهد و حق‌التألیف را می‌گیرد. اما گذشته از این گونه

درصد برای بهترین نویسندگان و مترجمان رایج‌تر است ولی هنوز هم تأثیرش روی قیمت زیاد است. حق‌التألیف ۱۰ درصد از این لحاظ مناسب‌تر است ولی اگر کتاب واقعاً پر فروش نباشد آبی به آسیای معاش نویسنده نخواهد ریخت. يك راه حل میانه شروع کردن با درصد پایین‌تر و افزایش درصد در چاپهای بعد است (مثلاً ۸ تا ۱۰ درصد برای پنجهزار نسخه اول، ۱۰ تا ۱۲ درصد برای پنجهزار نسخه دوم و ۱۵ درصد برای پنجهزار نسخه سوم و نسخه‌های پس از آن).

نکته دیگری هم که در این میان قابل توجه است تأثیر سیاست قیمت‌گذاری مؤسسات نشر روی حق‌التألیف درصدی است. حتماً ۱۵ درصد يك ناشر خصوصی و ۱۵-۱۰ درصد يك مؤسسه انتشاراتی دولتی که علاقه‌مند به پایین نگاه داشتن بهای تکفروشی کتابهاست برابر نیست. بعضی از مؤسسات دولتی جبران پایین بودن درصد را با تیراژ بالاتر کتابهای خود می‌کنند. و البته حساب و کتابشان هم مطمئن‌تر و قابل کنترل‌تر است.

## تجدید چاپ

چاپ بیشتر کتابها به روش افست کار تجدید چاپ را آسان کرده است. از نظر قرارداد پیشنهادی ما که حقوق نشر اثر برای چند سال در اختیار ناشر قرار می‌گیرد ناشر مجاز است هر چند نوبت که صلاح بداند کتاب را تجدید چاپ کند به شرط اینکه قبل از هر نوبت چاپ دوباره، مؤلف را از تیراژ و تاریخ انتشار چاپ جدید آگاه کند. این آگاهی قبلی از نظر رفع اشکالات و غلطهای باقیمانده در متن مهم است و مؤلف در این مورد حتماً از ناشر دلسوزتر است. اما تجدیدنظر اساسی کاری نیست که بعد از هر نوبت تجدید چاپ انجام داد چون گاه به قدری معطلی و دشواری ایجاد می‌کند که ناشر را به مراحل قبل از چاپ اول برمی‌گرداند. در عین حال تجدیدنظر اساسی هم در جای خود مطلوب است. در این قبیل موارد نویسنده و ناشر مذاکره می‌کنند و حاصل توافق آنها (درباره حدود تجدیدنظر و چگونگی پرداخت هزینه‌ها) به صورت متممی در می‌آید که به قرارداد اصلی منضم می‌شود.

قرارداد تصحیح

تصحیح متون کهن و چاپ نسخه‌های انتقادی نیز از موارد متداول نشر کتاب در ایران است و نیاز به قراردادی خاص خود دارد. هرگاه مصحح کار خود را به صورت تمام شده به ناشر ارائه دهد، قرارداد در اساس شبیه به قرارداد تألیف خواهد بود و هرگاه قرار کاری برای آینده گذاشته می‌شود شبیه به قرارداد ترجمه کتابی که به مترجمی سفارش می‌شود. در مورد متون کهن نکته قابل توجه این است که اصل متن البته در حیطه مالکیت همگانی است و مصحح نمی‌تواند حقوق نشر آن را به صورت انحصاری در اختیار بگیرد. اما قسمتهایی که مربوط به کار مصحح می‌شود (مقدمه و فهرستها و نحوه خاص تصحیحات و ذکر نسخه بدلها و توضیحات) و نیز اموری که دستاورد ناشر است (خطاطی یا حروفچینی متن و احياناً تزئینات آن) قابل حفظ و حراست به صورت آثار تألیفی است و هرگاه ناشر دیگری به چنین اثری دستبرد بزند قابل تعقیب خواهد بود. البته ناشر دوم همیشه می‌تواند متن مورد نظر را به محقق دیگری بسپارد و متن به دست آمده را خود از نو حروفچینی یا خطاطی کند و به چاپ برساند. ولی به متن فراهم آمده توسط ناشر اول بدون جلب موافقت و رضایت او نبایستی نزدیک شود.

اکنون، پس از این مقدمات، خوانندگان را به ملاحظه نمونه قرارداد پیوست دعوت می‌کنم. خواندن چنین متونی هیچ گاه دلپذیر نیست و تنها حقوقدانان را شاید. صاحب این قلم با وجودی که حقوقدان نیست تنها با تکیه بر تجربه طولانی خود در کار نشر (و با عذر تقصیر به خاطر دست اندر کار بودن خود در عقد بعضی از قراردادهایی که سخنشان در آغاز این مقاله به میان آمد) به خود جرئت داده است متنی را که به نظر او نسبتاً منصفانه است پیشنهاد کند. غرض تنها فتح بابی است در زمینه روابط ناشران با صاحبان آثار و انگشت نهادن بر دشواریهایی که گاه گاه در این روابط پیش می‌آید. باشد که مسئولان و کارشناسان دنباله کار را بگیرند و آن را به فرجام برسانند.

اصلاحات صوری یکی دو اختلاف اساسی وجود دارد. در بسیاری از موارد ناشر سفارش ترجمه کتابی را به مترجم می‌دهد، و قرارداد در زمانی بسته می‌شود که کتاب هنوز ترجمه نشده است. از این رو خوب است که ماده‌ای در قرارداد گنجانده شود حاکی از اینکه ناشر و مترجم، هر دو، کتاب اصلی را به دقت خوانده‌اند و از محتوای آن به خوبی آگاهند و با این علم و اطلاع ناشر ترجمه را سفارش می‌دهد و مترجم نیز بر گرداندن آن را به زبان فارسی تقبل می‌کند. این نکته از بروز مشکلات بعدی (اعلام انصراف مترجم از نیمه راه و معطل ماندن ناشر) جلوگیری می‌کند. اگر ناشر هم به عللی از نشر کتاب منصرف شد قانوناً و اخلاقاً متعهد خواهد بود که تمام حق ترجمه را به مترجم بپردازد، مگر این که ناشر و مترجم برای چاپ اثر ناشر دیگری پیدا کنند و با او به توافق برسند.

نکته دیگر در مورد سفارش ترجمه این است که ناشر میل دارد از نظر کیفیت ترجمه و کامل بودن آن اطمینان خاطر داشته باشد؛ این است که رهنمودهایی در مورد روش ترجمه در قرارداد می‌دهد [منظور از ترجمه کامل ترجمه دقیق تمام متن است... به فارسی درست و فصیح نه به شکل ترجمه تحت اللفظ یا آزاد]. ناشر قبلاً از مترجم می‌خواهد که يك فصل را به صورت نمونه ترجمه کند و ارائه دهد و بعد این شرط را برای خود قائل می‌شود که مخیر است اگر ترجمه تمام متن از نظر کیفیت با نمونه ارائه شده مطابقت نداشت از پذیرفتن ترجمه خودداری کند و قرارداد را فسخ نماید.

در مواردی که ناشری کتابی را به مترجم سفارش می‌دهد حق ترجمه را هم در همان وقت بر حسب تعداد صفحات متن و کلمه شماری يك صفحه متوسط معلوم می‌کند و پس از جلب موافقت مترجم در قرارداد ذکر می‌کند. و معمولاً چنین حق ترجمه‌ای «حق ترجمه يك بار برای همیشه» است و حقوق نشر اثر را به مدت نامحدود در اختیار ناشر قرار می‌دهد. پیشنهاد ما این است که ناشر در عین پرداخت حق ترجمه مقطوع قبول کند که از هر نوبت تجدید چاپ هم حق ترجمه‌ای به صورت درصدی (اگر همه ۸ درصد) به مترجم بپردازد. و در مواردی که ناشر قراردادی بر اساس پرداخت حق ترجمه درصدی با مترجم منعقد می‌کند لازم است تعهدی از نظر نشر کتاب ظرف مدت معینی پس از تحویل ترجمه در قرارداد شده باشد تا اقل حق ترجمه چاپ اول ظرف چند ماه پس از خاتمه ترجمه برآورد شده و به مترجم پرداخت گردد.

